

---

فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۳۱، زمستان ۱۳۸۹

---

## الزامهای نظری طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه دفاعی

دکتر احمد آقاجانی<sup>۱</sup>، محمود عسگری<sup>۲</sup>

تاریخ تصویب: ۱۹/۱۱/۱۱

تاریخ ارائه: ۱۹/۱۰/۱۱

---

### چکیده

پیشرفت هدفدار جوامع در گرو برخورداری از الگویی بومی است. طرح موضوع «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» از سوی مقام معظم رهبری در نخستین جلسه «اندیشه‌های راهبردی»، بیانگر اهمیت این موضوع است. این الگو، به‌عنوان سندی بالادستی، ابعاد و حوزه‌های گوناگون هر جامعه‌ای را در برمی‌گیرد، از جمله این حوزه‌ها، حوزه دفاعی است. با توجه به جایگاه و اهمیت فراوان دفاع، این حوزه از منزلت ارزنده‌ای در الگوی پیشرفت برخوردار است. اندیشه‌ورزی و طراحی الگویی برای پیشبرد امور مربوط به حوزه دفاعی، نیازمند توجه به برخی از الزامهای نظری می‌باشد. در این مقاله، نویسندگان تلاش نموده، ارکان، مبانی، انگیزه‌ها و کارکردهای الگوی بومی پیشرفت دفاعی را مورد بحث قرار دهد. به عقیده نگارندگان، الگوی پیشرفت باید «چگونگی» نیل به پیشرفت را توصیف نماید و در این راستا باید ساختارها، فرایندها و ارتباطات را بیان کند.

واژگان کلیدی: الگوی پیشرفت، دفاع، فرهنگ راهبردی، قدرت، دفاع مقدس، ج.ا. ایران

---

۱. عضو هیئت علمی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی

۲. محقق مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی

## مقدمه

دولت‌ها برای پیشبرد امور و راهبری جامعه، نیازمند طرح‌ریزی هستند. این طرح‌ریزی مستلزم وجود راهنماها و هدایت‌کننده‌هایی است. قانون اساسی، سند چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله، اسنادی هستند که برنامه‌ریزان و طراحان، در چارچوب آنها اقدام می‌نمایند. البته اسناد به لحاظ اهمیت، یکسان نیستند. برخی اسناد مانند قانون اساسی از زمره اسناد بالادستی و چشم‌انداز و برنامه‌های پنج‌ساله از جمله اسناد پایین‌دستی به‌شمار می‌آیند.

الگوهای پیشرفت ملی نیز که در قالب سند‌هایی ارائه می‌شوند، می‌توانند به‌عنوان اسناد بالادستی مطرح شوند. هرچند الگوی پیشرفت ملی، یک سند مشخص و واحد است، ولی بخش‌های مختلف جامعه مانند حوزه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، دفاعی - نظامی و ... نیز می‌توانند در قالب اسناد بالادستی مربوط، به طراحی «الگوهای پیشرفت» اقدام نمایند.

با توجه به اینکه مقام معظم رهبری در نخستین جلسه «اندیشه‌های راهبردی»، موضوع «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» را مطرح نمودند، مشخص است که این موضوع بسیار پراهمیتی است. ضرورت طراحی این الگو با بهره‌گیری از تضارب آرای اندیشمندان و نخبگان الگوپرداز و آشنا با ملاحظه‌های نظری - عملی (فکری - اجرایی)، آن است که بالندگی و پیشرفت، بدون الگو، مقدور و میسر نمی‌باشد.

در این نوشتار تلاش خواهد شد مطالبی در مورد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه دفاعی، ارائه شود. به راستی طراحی این الگو در حوزه دفاعی، نیازمند چه نوع الزام‌های نظری است؟ آیا پیشرفت حوزه دفاع، «بخشی» و مبتنی بر حوزه‌های پیشرو می‌باشد یا یک پیشرفت همه‌جانبه مورد نظر است؟ آیا کیفی‌سازی توان رزمی - دفاعی مبتنی بر فناوری خواهد بود یا نیروی انسانی؟ هرچند پرسش‌های فراوانی از این دست، قابل طرح است، ولی به عقیده نگارنده، یکی از گام‌های مهم برای طراحی الگوی مورد

نظر، پاسخ‌گویی به این پرسش اساسی است که ارکان، مبانی، انگیزه‌ها و کارکرد (به‌مثابه الزام‌های نظری) الگوی بومی پیشرفت دفاعی کدامند؟ نگارنده با پذیرش این فرض که پیش‌نیاز طراحی این الگو، «خودباوری» است، در این مقاله تلاش نموده است که پاسخی مناسب به پرسش مطرح شده ارائه نماید.

## ۱. کاربرت تجربه‌های بین‌المللی و ملی در الگوی پیشرفت دفاعی

بررسی و مطالعه الگوهای پیشرفت در عرصه‌های ملی یا بخشی، مؤید این نکته است که رسیدن به چنین الگویی، همواره برون‌داد تجارب دیگران و یا گذشتگان است. به عبارتی هرچند می‌توان مدعی شد و تلاش کرد تا بدون توجه به تجربه‌های تمدنی و بشری انباشت شده، به الگویی برای پیشرفت ملی یا بخشی رسید، ولی چندان عقلانی نخواهد بود که از سرمایه بسیار گرانقدر سایر جوامع در این عرصه، غفلت شود؛ چرا که این سرمایه، میراث رشد و تعالی بشری است. نکته‌ای که از نگاه ژرف‌اندیش و واقع‌نگرانه رهبر فرزانه انقلاب نیز دور نبوده است.

*«استفاده از دو مفهوم «اسلامی و ایرانی»، به هیچ وجه به معنای استفاده نکردن از دستاوردهای دیگران و تجارب صحیح آسان نیست و ما در این راه، با چشمان باز و انتخاب‌گر، از هر علم و معرفت درست استفاده می‌کنیم.» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست "اندیشه‌های راهبردی"، مورخه ۱۹/۹/۱۱)*

این تجربه بشری در کنار تجربه داخلی که رهبر معظم انقلاب با بیان:  
*«تجربه‌های متراکم و معرفت‌های انباشته شده در سی سال گذشته...» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست "اندیشه‌های راهبردی"، مورخه ۱۹/۹/۱۱)*

بر آن تأکید نموده‌اند، باید در خدمت طراحی الگویی کارآمد و متعالی قرار گیرد. از این رو در ادامه به برخی از تجربه‌های موجود سایر کشورها در این عرصه اشاره می‌شود.

### ۱-۱. تجربه سایر کشورها

(۱) تحقیق موسسه رند با عنوان «پاک کردن»، «اتکا کردن» و «توانستن»

«پاک کردن»، «اتکا کردن» و «توانستن»، عنوان مطلبی است که در قالب آن، «راهبرد توسعه دفاعی» مورد بحث قرار گرفته است. این تکنگاره را مؤسسه «رند» در ژانویه ۲۰۰۴ منتشر نموده است. در این مطلب اشاره می‌شود که در کشورهای توسعه‌نیافته، بخش دفاع آنها از توسعه لازم برخوردار نمی‌باشد. فساد، نبود امکانات، همسایگان درگیر جنگ، درگیری در جنایت‌های سازمان‌یافته و ... از جمله دلایل معضلات دفاعی - امنیتی این کشورها می‌باشد. نویسندگان معتقدند معضل‌های اقتصادی و سیاسی از جمله دلایل عدم رشد بخش دفاع این کشورها به‌شمار می‌آید. در بخش دیگر از این مطلب، نیازهای توسعه دفاعی مورد بحث قرار گرفته است. نیازهای مالی، سازمانی، آموزشی و انگیزشی از جمله این نیازها می‌باشد.

در ادامه، سه کشور رواندا، اندونزی و اوکراین به‌عنوان موردهای مطالعاتی از نظر نیاز به توسعه دفاعی، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و راهبردهای آنها جهت نیل به توسعه دفاعی مطالعه شده است. نویسندگان یافته‌های عمومی خود را از بررسی این سه کشور ارائه نموده‌اند. «وزن هزینه‌های دفاعی باید متناسب با نیازهای امنیتی باشد»، «نظامیان باید از سیاست دوری نمایند»، «مسئولان امور دفاعی باید از تجارت دوری کنند»، «توسعه دفاعی، یک توسعه پایدار است»، از جمله گزاره‌هایی می‌باشند که از بررسی تجارب این سه کشور قابل استخراج هستند. آنها همچنین به شاخص‌های جهانی توسعه دفاعی نیز اشاره نموده‌اند. این شاخص‌ها عبارتند از:

(۱) شفافیت و همگرایی برنامه‌ها و بودجه‌ها؛

(۲) توانمندی برای پاسخگویی به نیازهای مشروع؛

(۳) حساس‌رسی در مورد هزینه‌ها؛

(۴) سطوح آموزش، آمادگی و مهارت؛

- (۵) وجود زیرساخت‌ها و حمایت‌ها متناسب با نیازهای دفاع؛
- (۶) هدفمندی و منحرف نشدن در انجام وظایف و نیل به پیشرفت؛
- (۷) عدم مداخله نظامیان در سیاست؛
- (۸) عدم مداخله نظامیان در تجارت؛
- (۹) کنترل نظامیان از سوی غیرنظامیان؛
- (۱۰) پیروی از هنجارهای بین‌المللی حاکم بر تسلیحات، فعالیت‌های نظامی و نظامیان؛
- (۱۱) اجرا و نهادینه کردن معیارهای اصلاح؛
- (۱۲) استفاده مفید از کمک‌های خارجی (Gampert, Olikier, Timilsina, Jan 2004).

متأسفانه جست‌وجوی نگارنده برای یافتن اسناد مربوط به الگوی پیشرفت دفاعی سایر کشورها، به نتیجه مشخصی منجر نشد. البته توسعه و پیشرفت دفاعی کشورها، فرایندی طولانی‌مدت است و به نظر می‌رسد می‌توان گفت که ترکیب بهینه «انسان»، «تلاش و خلاقیت»، «صنعت» و «فناوری» در قالب یک الگو، مخرج مشترکی است که از تجربه پیشرفت دفاعی دیگر دولت‌ها می‌توان به دست آورد. البته ممکن است که نظام اندیشگی طراحان غربی و تعریف آنها از توسعه و پیشرفت با دیدگاه‌های مورد نظر مسئولان جمهوری اسلامی، متفاوت باشد.

## ۲-۱. تجربه ملی

واقعیت آن است که تجربه‌های دفاعی هر کشور، داشته و اندوخته‌ای است که قابل جایگزینی نمی‌باشد. از آنجا که در رویدادهایی مانند جنگ، تمامی اجزای کشور، درگیر آن می‌شوند و مدیریت آن نیازمند توانمندی‌های ویژه نزد دولتمردان و آحاد جامعه می‌باشد، بنابراین چنین تجارب گرانقدری، بی‌بدیل‌ترین سرمایه‌ای است که بی‌توجهی به آن در طراحی الگوها، موفقیت و اثربخشی الگوی دفاعی مطلوب را به شدت کاهش می‌دهد.

به باور نگارندگان، مهم‌ترین تجربه الگوپردازی برای نیل به پیشرفت در حوزه دفاعی کشور، دوران هشت ساله دفاع مقدس است. اهمیت این دوران با توجه به شرایط زیر دوچندان است:

- تحمیل جنگ از سوی عراق در شرایطی که نظام سیاسی جدید شکل گرفته پس از انقلاب اسلامی، نوپا بوده و ساختار دفاعی کشور آشفته بود؛
- دشمن از لحاظ امکانات و تجهیزات در شرایط خوبی قرار داشت؛
- دشمن از آرایش، ساختار، توان رزمی و شیوه جنگ کشور آگاهی داشت؛
- قدرت‌های استکباری از دشمن متجاوز، همه‌گونه حمایت می‌کردند؛
- نیروهای نظامی کشور، فاقد ساختار و تجربه لازم بودند؛
- کمبود امکانات و تجهیزات به‌ویژه پس از سال‌های اولیه جنگ و وابستگی زیاد به فناوری و خدمات بیگانگان.

در چنین شرایطی، دفاع، بسیار حساس و دشوار می‌باشد. بدون شک، دفاع در برابر چنین تهاجمی، مقابله با این دشمن متجاوز و ناکام گذاشتن او در رسیدن به هدف‌های تجاوزطلبانه‌اش، گران‌قیمت‌ترین تجربه‌ای است که در طراحی تمامی نرم‌افزارهای دفاعی (اعم از الگو، راهبرد، رهنامه، سیاست و ...) باید مورد توجه قرار گیرد. تجزیه و تحلیل اندیشه، راهبرد و رهنامه دفاعی و شیوه جنگ جمهوری اسلامی ایران در برابر دشمن متجاوز (عسگری، ۱۳۸۷)، واقعی‌ترین داده‌ها را برای طراحی الگوی دفاعی مطلوب، در اختیار تهیه‌کنندگان الگوی پیشرفت دفاعی قرار می‌دهد.

## ۲. ماهیت الگوی بومی پیشرفت در حوزه دفاعی

معنی الگو، «نقشه جامع» است. «بدون نقشه جامع، همچون برخی مسائل فرهنگی یا اقتصادی ۳۰ سال گذشته، دچار حرکت‌های گاه متناقض خواهیم شد.» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست "اندیشه‌های راهبردی"، مورخه ۱۹/۹/۱۱)

آنچه از این نقطه نظر رهبر فرزانه انقلاب مستفاد می‌گردد آن است که این الگو در حکم «ساختاری راهبر» است که ضمن جلوگیری از انحراف، مانع از طراحی و اجرای برنامه‌ها و اقدام‌های متناقض خواهد بود.

الگو برای تحقق هدف‌ها، طراحی می‌شود و دستورکارهایی را مشخص می‌کند. کشف عوامل مؤثر در تحقق هر هدف و نیز شناخت رابطه میان آنها، شرط ضروری برای تبیین یک الگوست.

زمانی که ماهیت پدیده‌ها مورد بحث قرار می‌گیرد، در واقع موضوع اصلی بحث، چیستی و درون‌مایه آن پدیده می‌باشد. به عقیده نگارنده، جوهره و ذات الگوی بومی پیشرفت دفاعی، تعیین‌کننده‌ترین جزء این الگو می‌باشد. در واقع این بخش است که نشان می‌دهد الگوی طراحی شده تا چه میزان دارای پویایی و توان پاسخگویی و راهبری سایر اجزا می‌باشد. به نظر می‌رسد ماهیت الگوی پیشرفت دفاعی، به واسطه عناصر زیر مشخص می‌شود:

## ۱-۲. اشراف الگو

«این الگو، سندی بالادستی برای همه اسناد برنامه‌ای و چشم‌اندازی کشور خواهد بود.»

(بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست "اندیشه‌های راهبردی"، مورخه ۱۹/۹/۱۱)

بنابر چنین جایگاهی که مقام معظم رهبری برای این الگو تعیین نمودند، الگوی پیشرفت در حوزه دفاعی، به‌مثابه سندی بالادستی است که بر اسناد چشم‌اندازی و برنامه‌ای کشور، اشراف خواهد داشت. این جایگاه رفیع، حکایت از اهمیت بسیار فراوان این الگو دارد. در واقع این الگو، هدایت‌کننده و تعیین‌کننده هدف‌های چشم‌اندازها و برنامه‌های کشور در عرصه دفاعی خواهد بود.

## ۲-۲. هدف محور

«در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، هدف‌ها مشخص می‌شود، اما راهبردها ممکن است به تناسب شرایط زمان، دچار تغییر و اصلاح شوند که این مسئله، نشان‌دهنده انعطاف‌پذیری الگو است.» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست "اندیشه‌های راهبردی"، مورخه ۱۱/۹/۸۹)

این فرمایش مقام معظم رهبری به‌خوبی تبیین‌گر بخشی از ماهیت الگوی پیشرفت می‌باشد. اگر الگویی، هدف‌محور باشد، به این معنی است که نظام دفاعی آن کشور، منتظر وقوع و بروز تهدید، حوادث و تحولات نمی‌ماند. در واقع این الگو، یک گام جلوتر از الگوهای تهدید‌محور است. الگوی بومی پیشرفت دفاعی، ضمن هدف‌گذاری، افق‌ها را روشن و مشخص می‌نماید و متناسب با منافع و امنیت جامعه مورد نظر، مسیر حرکت مجریان را تعیین می‌نماید. بدیهی است در طراحی یک الگوی خوب و کارآمد، هدف‌گذاری‌ها باید به گونه‌ای انجام شود که تحقق آن هدف‌ها به مدیریت تهدیدها نیز منجر شود. برای طراحی هدف‌ها، نگاه آرمان‌گرایانه مبتنی بر واقع‌نگری، رویکرد مناسبی می‌باشد.

## ۲-۳. سازنده

از دیگر عناصر ماهیت الگوی بومی پیشرفت دفاعی، سازنده بودن است. به عبارتی این الگو باید بتواند در ساخت دو عنصر «زمان» و «مکان» نقش و تأثیر قابل توجهی ایفا نماید. به بیان روشن‌تر، الگوی دفاعی مطلوب باید معطوف و قادر به ساخت «آینده» و «محیط» باشد. واکنشی / انفعالی بودن، تناسبی با الگوی پیشرفت دفاعی ندارد. این الگو باید فعال، خلاق و سازنده باشد. بی‌تردید رویکرد اصلی الگوها، آینده است. الگوی مطلوب و بومی پیشرفت حوزه دفاعی در جست‌وجوی مدیریت زمان است. هرچند نمی‌توان «گذشته» را فراموش نمود و نسبت به «حال» غافل بود، ولی «آینده» حائز اهمیت فراوان است؛ چرا که از یکسو، اگر «گذشته» و «حال» مهم هستند، اما



«آینده»، حیاتی می‌باشد، از سوی دیگر، مدیریت زمان، بیش از «حال»، ناظر به «آینده» است. دو نوع رویکرد نسبت به آینده وجود دارد. رویکرد نخست، انفعالی بوده و با غفلتی راهبردی نسبت به آینده، منتظر آینده می‌ماند و تنها پس از مواجهه با چالش‌ها، در صدد مقابله با آنها برخواهد آمد. این نوع مدیریت که لحظه‌ای و بی‌برنامه می‌باشد، کارآیی ندارد؛ چرا که در عمل بسیاری از فرصت‌ها و امکانات را از دست می‌دهد و در بردارنده هزینه‌های فراوان است.

در مقابل، رویکرد فعال، از طریق ظرفیت‌سازی<sup>۱</sup>، تمامی تلاش خود را معطوف به شکل دادن و ساختن آینده می‌نماید. آینده‌سازی، کلید تداوم و استمرار بقا و به‌زیستی است. الگوی دفاعی باید بتواند آینده‌ای متناسب با چشم‌انداز، هدف‌ها و امکانات کشور بسازد. این امر در گرو آینده‌پژوهی<sup>۲</sup>، آینده‌شناسی<sup>۳</sup>، و در نهایت، آینده‌سازی<sup>۴</sup> است (Marien, April-May 2002). تأکید بر آینده‌سازی ناشی از این فرض است که آینده‌ها متعدّدند و در انتخاب آنها، تا حدی آزادی عمل وجود دارد. آینده، الزاما تداوم گذشته نیست؛ زیرا در شکل‌گیری آینده، بازیگران بسیاری دخیل هستند که عملکرد امروز آنان به طرح‌های آینده بستگی دارد. بنابراین «ساخت آینده» باید در الگوی پیشرفت باشد. به عبارتی این الگو باید دارای چنان ویژگی‌هایی باشد که اجرای آن توأم با ساختن آینده و مدیریت زمان باشد. در بُعد مکان و محیط نیز این الگو، برخوردی فعال خواهد داشت. اگر بپذیریم که محیط کشورها از سه عنصر «بازیگران»، «روندها» و «ساختارها» تشکیل شده‌اند، الگوی پیشرفت دفاعی باید دارای چنان ظرفیتی باشد که ضمن تعدیل و تنظیم رفتار و اقدام بازیگران، بتواند به ساختارها و روندها شکل داده و آنها را در راستای منافع و امنیت خود به خدمت بگیرد.

1. Capabilities Building
2. Future Study
3. Futurology
4. Future Building

#### ۲-۴. راه‌حل محور

در جوهره یک الگوی پیشرفت دفاعی باید راه‌حل محوری، وجود داشته باشد. این عنصر جوهری الگو، ربط وثیقی با میزان پویایی الگو دارد، ضمن آنکه بیانگر فعال و کنشی بودن الگوست. پاسخ الگوی مطلوب در برابر مسائل، تهدیدها و خطرها، «واکنشی، ضعیف و انفعالی» نمی‌باشد. الگوی پیشرفت دفاعی، از مسائل، راه‌حل می‌سازد و از تهدیدها، فرصت‌ها را خلق می‌نماید.

#### ۲-۵. تصمیم‌گیرنده

از جمله مباحث عمده‌ای که یک الگوی دفاعی باید به آن بپردازد، تعیین تکلیف چند مقوله اساسی است. الگوی دفاعی باید در مورد دو مقوله «قدرت» و «دفاع» به مثابه مفاهیم بنیادین مباحث راهبردی، تصمیم‌گیری نماید. این مفاهیم، شالوده‌های عملی یک الگو را شکل می‌دهند.

#### ۲-۵-۱. قدرت

قدرت، رکن رکن علم سیاست و روابط بین‌الملل است. قدرت، مهم‌ترین مؤلفه شکل‌دهنده به روابط و ماهیت تعامل بازیگران با یکدیگر است. قدرت تنها ابزار واقعی دولت‌ها در تدوین نظریه‌ها و الگوها و اجرای راهبردها و سیاست‌هاست. دولت‌ها بدون قدرت، کلاف سردرگمی هستند که توان لازم برای حرکت به سوی مطلوبیت‌های بیشتر را ندارند. بنابر آنچه گفته شد، بدون قدرت، الگوی دفاعی، طرحی بیش نیست. با توجه به نقش محوری قدرت، الگوی دفاعی مطلوب باید مشخص نماید که تعریفش از قدرت چیست؟ چه نوع قدرتی (نرم، نیمه سخت، سخت یا ترکیبی) باید کسب شود و چگونه اعمال گردد؟

## ۲-۵-۲. دفاع

از واژگان کلیدی الگوی دفاعی مطلوب، دفاع است. دفاع، مهم‌ترین کالایی است که یک الگوی دفاعی مطلوب باید آن را تولید کند. دولت در قالب الگوی دفاعی خود باید مشخص کند که با چه نوع قدرتی، چه نوع دفاعی اعمال خواهد کرد؟ آیا دفاع همتراز مورد نظر است یا دفاع ناهمتراز؟ آیا دفاع به‌عنوان یک وظیفه تخصصی بر عهده نظامیان واگذار و تعریف شده است و یا اینکه «دفاع همه‌جانبه» و به‌عبارت روشن‌تر «مردمی کردن دفاع» به‌عنوان نظریه اصلی دفاع، مطرح می‌باشد؟

## ۳. انگیزه‌های طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت دفاعی

بدون انگیزه، اشتیاق و رغبت به شروع و تداوم امور کاهش می‌یابد. هیچ طرح و برنامه‌ای بدون انگیزه شکل نمی‌گیرد. انگیزه‌ها محرک اصلی طراحی نظریه‌ها و الگوها به شمار می‌آیند. در طراحی الگوی بومی پیشرفت دفاعی، انگیزه‌های زیر می‌تواند نقش آفرین باشند:

## ۳-۱. بومی‌سازی الگوها

همان‌گونه که مشخص است یکی از انگیزه‌های مطرح شدن «الگوی پیشرفت»، بومی‌سازی الگوها می‌باشد. راهبری جوامع و عرصه‌های گوناگون مانند عرصه دفاع به سوی پیشرفت و تعالی، در گرو بهره‌مندی از الگوهای کارآمد است. برخی ممکن است بدون توجه به مبانی و ویژگی‌های الگوها، تلاش نمایند الگوی مورد استفاده از سوی دولت‌های دیگر (با نظام اندیشگی، فرهنگ و ... متفاوت) را گرفته و آن را به‌عنوان الگوی پیشرفت بخش دفاع مورد استفاده قرار دهند. تجارب چند دهه اخیر در کشورهای گوناگون مؤید این نکته است که چنین روشی، کمتر با موفقیت همراه است. این احتمال نیز وجود دارد که الگویی از یک کشور اخذ شود، ولی با «حذف و اضافه» برخی ویژگی‌ها، سعی

شود قابلیت اجرایی بیابد. در این حالت نیز چون در اصول و مبانی، تغییری ایجاد نشده، بنابراین موفقیت و کارایی این الگوها نیز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد. توجه به این نکته نیز لازم است که چنانچه این کشورها بتوانند با کاربست این الگوها به رشد و پیشرفت نسبی نایل شوند (که بعید است، پایدار باشد) این مقدار رشد نیز وامدار اندیشه‌ورزی گروهی دیگر است و در واقع آنها مصرف‌کننده آن نظریه‌ها هستند (Farrell and Terriff, 2002: 3).

در این بین، حالت سومی وجود دارد که بر مبنای آن، کشورها تلاش می‌نمایند خود را به سطحی از بلوغ کیفی برسانند که قادر باشند نظریه‌هایی را تولید نمایند. بدیهی است چنین نظریه‌هایی متکی بر مبانی و مبادی داخلی بوده و متناسب با شرایط و مقتضیات فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی آن جوامع طراحی شده است. از این‌رو، ضریب کارآیی و کارآمدی آنها افزایش می‌یابد و پیشرفت ناشی از اجرای آن، پایدارتر خواهد بود.

### ۲-۳. قدرت‌سازی

پیشتر اشاره شد اگر کشوری بتواند الگویی برای پیشرفت در همه حوزه‌ها به‌ویژه در بخش دفاعی، طراحی نماید، بی‌تردید تحقق این مهم در گرو شناخت همه‌جانبه ویژگی‌ها و خصایص جامعه خودی است. الگوی بومی پیشرفت دفاعی، قدرت‌ساز خواهد بود؛ چرا که با فهم دقیق ظرفیت‌ها و مقدرات ملی همراه خواهد بود. الگویی موفق است که عناصر مادی و معنوی قدرت را که در بستر جامعه به‌طور بالقوه وجود دارد، به‌خوبی شناسایی نموده و با استفاده از اندیشه‌ها و سازوکارهای پویا، آنها را به خدمت بگیرد. بنابراین قدرت‌سازی از انگیزه‌های اصلی طراحی الگوی پیشرفت در حوزه دفاعی است.

### ۳-۳. رسیدن به توسعه پایدار در حوزه دفاعی

از انگیزه‌های مهم طراحی بومی پیشرفت در حوزه دفاعی، رسیدن به توسعه پایدار در این زمینه می‌باشد. اگر الگویی با توجه به جمیع جهات و رعایت تمامی موازین طراحی

الگوهای بومی، تدوین شود، نتیجه آن درگیر نمودن همه اجزای ساختار دفاعی کشور در فرایند نیل به پیشرفت می باشد. این مهم در کنار رعایت قواعدی مانند «قانون بازده نزولی»، تأکید بر مقوله بسیار حیاتی «تحقیق و توسعه»، حرکت بر اساس «برنامه ریزی و بودجه بندی»، حفظ تناسب حرکت بخش دفاع با سایر بخش ها به ویژه صنعت و ... و استفاده بهینه از منابع، می تواند ضامن توسعه پایدار در حوزه دفاعی باشد.

این توسعه پایدار می تواند تداوم بخش پیشرفت کمی و کیفی بخش دفاع کشور باشد. به یقین، چنانچه این توسعه شکل بگیرد، کارآیی و کارآمدی بخش دفاعی نیز ارتقا یافته و در مجموع وضعیت دفاعی کشور بهبود خواهد یافت.

#### ۴. مبانی الگوی بومی پیشرفت دفاعی

مبانی به معنی پایه ها و شالوده های یک نظریه و یا الگوست. مبانی به الگو، هویت و انسجام می بخشد. بدون مبانی، اجزا و مؤلفه های یک الگو دچار از هم گسیختگی می شوند و عناصر و بخش های گوناگون آن، فاقد یک «ناظم سازمان دهنده» خواهند بود.

##### ۴-۱. گزاره های برآمده از فلسفه و مکتب

شالوده هر جامعه ای را فلسفه و مکتب شکل می دهد. در واقع، کارکرد فلسفه و مکتب را می توان «هستی شناسی» دانست. گزاره های هستی شناسانه هر الگویی، برآمده از فلسفه و مکتب حاکم بر آن جامعه است. لیبرالیسم، کنفوسیوسیم، شیئتوئیسم، هندوئیسم و اسلام از اصلی ترین مکاتب جهان کنونی به شمار می آیند. این مکاتبها و فلسفه ها، خالق پدیده ای هستند که بوزان<sup>۱</sup> از آن با عنوان «ایده دولت» نام می برد (بوزان، ۱۳۷۸: ۱۰۴-۹۰). بنابراین تفاوت جوهره حکومتها به گزاره های برآمده از این مقوله ها برمی گردد.

بنابر آنچه گفته شد الگوی پیشرفت دفاعی، مبانی هستی‌شناسی خود را از فلسفه و مکتب اخذ می‌کند. گزاره‌های برآمده از مبانی هستی‌شناختی، نقش تعیین‌کننده‌ای در طراحی الگوی مطلوب دفاعی دارد. برای مثال «انسان‌محوری»، «اصالت سود و فایده»، «فردگرایی»، «نیل به هدف با هر وسیله»، «حق با اقویاست»، «انسان، گرگ انسان است» و «هرج و مرج محیط» به عنوان گزاره‌های مکتب غرب، نقش اثرگذاری بر طراحی الگوی دفاعی آنها داشته است. «الگوی بازی‌های راهبردی»، «الگوی سیطره‌طلبی»، «الگوی سلسله‌مراتبی تک‌قطبی» و ... از جمله الگوهای هستند که براساس گزاره‌های یادشده، تدوین و طراحی گردیده‌اند.

در مقابل، اسلام، ارائه‌دهنده نوع خاصی از هستی‌شناسی است. در مکتب اسلام، فرد دارای کرامت و شأن والایی است، ولی بین فرد و جمع، رابطه متقابل است که حکایت از توجه دین اسلام به هر دو مقوله است. در اسلام هدف، اصالت دارد، ولی برای دستیابی به آن، هر وسیله‌ای توصیه نمی‌شود. همچنین اسلام، حامی و طرفدار «حق» است. در مکتب اسلامی، انسان‌ها با هم برابر و برادر هستند. مهرورزی، گذشت، احترام متقابل، وفای به عهد، تلاش برای حفظ آمادگی جهت بازدارندگی، از دیگر گزاره‌هایی هستند که حکایت از تفاوت‌های اساسی بین هستی‌شناسی اسلامی و غربی دارد. قرآن و سیره نقلی و عملی ائمه معصومین (ع)، مؤید این گزاره‌ها می‌باشند.

*«اگر توحید، اعتقاد به خدا و التزام به این اعتقاد، به بدنه زندگی بشر بسط داده شود، مشکلات جامعه بشری حل و راه پیشرفت حقیقی گشوده خواهد شد.» «توجه به معاد و محاسبه اخروی در الگوی پیشرفت، موجب منطقی شدن تحمل همه دشواری‌ها و ترویج ایثار و از خودگذشتگی است» در نگاه اسلامی بین دنیا و آخرت پیوستگی و عدم تفکیک وجود دارد. انسان در اسلام، محور است، البته این موضوع، در فلسفه‌های مادی غرب و اسلام کاملاً متفاوت از یکدیگر می‌باشد. «هدف نهایی اسلام، رستگاری انسان است و در این نگاه، همه مسائل از جمله عدالت، رفاه، امنیت و عبادت، مقدمه یا اهداف میانی هستند و هدف اصلی این است که انسان سعادت‌مند شود.» (بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست "اندیشه‌های راهبردی"، مورخه ۱۹/۹/۱۱)*

بی‌تردید الگوی دفاعی، مبتنی بر این گزاره‌ها، دارای تفاوت‌های ماهوی با الگوهای غربی خواهد بود.

## ۲-۴. قانون اساسی

قانون اساسی، به معنای عام کلمه، به تمامی قواعد و مقرراتی اطلاق می‌شود که مربوط به انتقال و اجرای قدرت است. بنابراین موازین و اصول حاکم بر روابط سیاسی افراد، در ارتباط با دولت، نهادهای سیاسی کشور و شیوه تنظیم آنها و همچنین نحوه توزیع قدرت در میان حاکمان و محکومان، از جمله قواعد و مقررات قانون اساسی به‌شمار می‌آید. قانون اساسی از یکسو، حدود آزادی فرد را در برابر عملکرد قدرت و از سوی دیگر حد و مرز اعمال تشکیلات حاکم را در برخورد با حوزه حقوق فردی رسم می‌کند (قاضی، ۱۳۷۳: ۹۰). با عنایت به مطالب یادشده، قانون اساسی به مثابه سندی راهبردی، دارای شأن ویژه‌ای است. قانون اساسی جوامع به منزله میثاق ملی، تلقی شده و برآیندی از «اهداف»، «ارزش‌ها» و «آرمان‌های» آن جوامع می‌باشد. بنابراین قانون اساسی با چنین ویژگی‌هایی، در حوزه دفاع نیز کلیاتی را بیان نموده که باید از آنها در طراحی الگوی پیشرفت دفاعی بهره‌برد. گفتنی است که تنظیم الگوی پیشرفت (در همه عرصه‌ها از جمله در بُعد دفاعی) برخلاف قانون اساسی و یا خارج از چارچوب آن، الگوی یاد شده را فاقد وجهت قانونی نموده و پذیرش و اجرای آن را ناممکن می‌نماید.

## ۳-۴. فرهنگ راهبردی

از مبانی تعیین‌کننده در الگوی بومی پیشرفت دفاعی کشورها، فرهنگ راهبردی است (Adamsky, 2010: 1-15). در مورد تعریف فرهنگ راهبردی دیدگاه‌های گوناگونی

ارائه شده است. به باور لانگهرست<sup>۱</sup>، فرهنگ راهبردی یک چارچوب متمایز ویژه‌ای از عقاید، ایستارها و عملکردها در مورد استفاده از زور می‌باشد که به تدریج در یک فرایند تاریخی منحصر به فرد ایجاد شده است (Longhurst, 2000: 95).

جانستون<sup>۲</sup> نیز بر این باور است که فرهنگ راهبردی، نظامی منسجم از نمادها [استدلال<sup>۳</sup>، ساختار، زبان، قیاس‌ها (تمثیل‌ها)، استعاره‌ها، و...] است که ترجیح‌های راهبردی طولانی مدت و فراگیر را با صورت‌بندی مفاهیم و نقش‌ها و اثربخشی نیروهای نظامی در کارهای سیاسی بین دولت‌ها، ایجاد می‌کند. به نظر او فرهنگ راهبردی، یک محیط اجتماعی اندیشه‌ای<sup>۴</sup> است که گزینه‌های رفتاری را محدود می‌کند (Johnston, 1995: 46).

کشورها، فرهنگ راهبردی ویژه خود را دارند. فرهنگ راهبردی، ریشه در تاریخ، جغرافیا، فرهنگ سیاسی و گرایش‌های نخبگان سیاسی - نظامی کشورها دارد. در واقع به واسطه این فرهنگ، چارچوبی فراهم می‌گردد که در آن رویکردهای یک کشور درباره جنگ و صلح تعیین می‌شود. در رابطه با اثرگذاری مستقیم فرهنگ راهبردی کشورها بر اذهان نخبگان می‌توان به این نمونه اشاره کرد. پس از جنگ خلیج فارس به روشنی مشخص گردید که متفکران نظامی شوروی / روسیه، ارزش انقلاب در امور نظامی را کمتر از میزان معمول برآورد نموده بودند، در حالی که این انقلاب موجب نسلی جدید از تسلیحات پیشرفته شد. آنها به دلیل فرهنگ راهبردی خود، ارزش و توانایی این انقلاب را کمتر از میزان متداول تخمین زدند. روس‌ها معتقد بودند که این برتری فناورانه دارای ارزش چندانی نیست و آنها می‌توانند این برتری فناوری را با نیروی انسانی و ایجاد تدارکات مناسب جبران نمایند.

1. Longhurst
2. Johnston
3. Argumentation
4. Metaphors
5. Ideational Milieu



به باور اندیشمندانی همچون کن بوث<sup>۱</sup>، فرهنگ راهبردی شامل مفروض‌هایی مبنایی در مورد نظم محیط راهبردی، تعیین نوع نگاه تصمیم‌سازان/تصمیم‌گیران به پدیده‌ها، فهم تهدیدها، مناقشه‌های بین‌المللی و روش‌های مواجهه و حل آنهاست (Booth, 2005: 27).

وجه اصلی اهمیت فرهنگ راهبردی آن است که شناخت صحیح این فرهنگ به نوعی حتی می‌تواند در نوع راهبرد دفاعی کشور در برابر تهدیدهای دشمنان احتمالی نیز مؤثر باشد. این مطلب را می‌توان با بیان نمونه‌ای به گونه‌ای ملموس‌تر درک نمود. به عقیده برخی صاحب‌نظران، فرهنگ راهبردی در آمریکا به گونه‌ای است که این کشور همواره تمایل دارد قدرت خود را تا فاصله‌هایی بسیار دوردست اعمال نماید. برای مثال، جنگ‌های داخلی این کشور (به لحاظ جغرافیایی) تا سطح قاره‌ای گسترده (سرزمینی به وسعت پاریس تا مسکو)، توسعه یافت. تهاجم‌های اخیر این کشور به افغانستان و عراق نموده‌هایی دیگر از تجلی این فرهنگ می‌باشد (Murray, Jan 1999). راهبردپردازان کشورهای رقیب ایالات متحده با آگاهی از این مشخصه فرهنگ راهبردی آمریکا، به خوبی درمی‌یابند که به دلیل مشکلات پیچیده جنگ در فواصل دوردست، این قبیل جنگ‌ها باید در کمترین زمان به پایان برسد، بنابراین بهترین راهبرد دفاعی در برابر چنین مهاجمی، استفاده از عمق جغرافیایی کشور و ایجاد جنگ فرسایشی است.

فرهنگ راهبردی در ایجاد روحیه تهاجمی یا تدافعی جامعه مؤثر می‌باشد. بنابراین توجه به آن از جنبه انطباق با شرایط موجود و بازآفرینی آن ضروری است. حکومتی که نتواند این سرمایه را به‌طور شایسته به کار گیرد، موفقیتش در طراحی الگوی بومی پیشرفت دفاعی در هاله‌ای از ابهام قرار خواهد داشت. به باور کلاوزویتس:

---

1. Ken Booth

عناصر روحی، در میان دیگر عوامل نقش‌آفرین در جنگ، مهم‌تر هستند. (عناصر اصلی) مهارت فرماندهی، تجربه و انگیزه سربازان و روحیه وطن‌پرستی آنها می‌باشد. البته ارزش این عوامل، ثابت و جهان‌شمول نمی‌باشد؛ بحث در مورد ظرفیت آنها نیز دشوار است. حتی بررسی وزن هر یک از آنها در برابر دیگری نیز خیلی دشوار است (Clausewitz, 1976: 184-186).

نظر به چنین اهمیتی است که می‌توان مدعی شد بر خلاف باور عمومی، قدرت برتر، برآمده از سلاح نیست، بلکه این قدرت به جامعه و کسی تعلق دارد که برای کشته شدن و از خودگذشتگی آمادگی دارد. دفاع مقدس، اثبات‌کننده بارز این گزاره می‌باشد. بدون تردید چنانچه فرهنگ راهبردی کشوری دارای ویژگی‌هایی همچون خودترمیم‌پذیری، یکپارچگی در برابر دشمن، باور شکست‌ناپذیری، انعطاف‌پذیری و بالا بودن آستانه تحمل ملی باشد، نظام تصمیم‌گیری‌های دفاعی در آن کشور با اعتماد به نفس بیشتری قادر خواهد بود الگوی دفاعی خود را به‌گونه‌ای طراحی نماید که کمیت‌های کوچک را به کیفیت‌های بزرگ تبدیل کند (عسگری، زمستان ۱۳۸۴: ۳۲-۱).

## ۵. ارکان الگوی بومی پیشرفت در حوزه دفاعی

### ۵-۱. اندیشه دفاعی

اندیشه دفاعی از ارکان اصلی طراحی الگوی بومی پیشرفت در حوزه دفاعی است. اندیشه دفاعی یا نظامی دارای سه عنصر «مبانی نظری و عقیدتی»، «تفکرات و تجارب نظامی» و «تحولات سیاسی و نظامی»، می‌باشد. برای نمونه، جهان‌بینی و انسان‌نگری ایرانیان باستان، تحول در نیرو و تسلیحات و پیدایش سلاح‌های جدیدتر، به‌ویژه آنگاه که سلاح‌های آهنین ساخته می‌شوند، همراه با تجارب فرماندهی جنگی نوعی از اندیشه‌های نظامی و راهبردی در ایران باستان را می‌سازند.

در بررسی اندیشه‌های نظامی شخصیت‌هایی مانند کوروش کبیر یا داریوش در می‌یابیم که این سه عنصر به گونه‌ای هماهنگ در مورد آنها وجود دارد؛ آیین زرتشتی و تحول جامعه از حالت ملوک‌الطوایفی به اتحادیه‌ها و در نهایت شکل‌گیری نظام شاهنشاهی و تجارب آریایی‌ها از جنگ با دشمن و تحول در نیرو و تسلیحات، اندیشه نظامی کوروش کبیر یا داریوش بزرگ را شکل می‌دهد (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۳۸-۳۷).

بر این اساس، هیچ ملتی را نمی‌توان یافت که دارای اندیشه نظامی نباشد. اگر اندیشه نظامی به مفهوم عام «صرف وجود نوعی تفکر قابل بحث در باب امور نظامی» باشد، اندیشه نظامی به مفهوم خاص عبارت از «مجموعه تفکرات منسجم، دارای مبنا، مستدل و مهم و منطقی در باب امور نظامی» می‌باشد. همچنین می‌توان گفت: «اندیشه نظامی، تفکر و تأملی منسجم، دارای چارچوب نظری، اصولی و مستدل و با اهمیت در مورد امر یا رأی نظامی است».

به عبارتی اندیشه نظامی، تفکری است که به گونه‌ای قاعده‌مند و توأم با انسجام درون‌گفتمانی به بررسی مسئله بقای مادی و معنوی یک جامعه پرداخته تا آن را در برابر خطرها و تهدیدهای نظامی خارجی ایمن نماید و در جهت حصول به امنیت تأمین منافع آن به چاره‌جویی بپردازد (Gat, 2001: 4).

اندیشه نظامی اگر از این زاویه مدنظر قرار گیرد و مورد مطالعه باشد، می‌توان بر این ادعا بود که اندیشه نظامی ارتباطی وثیق و غیرقابل انکار با اندیشه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه دارد. به عبارتی، اگر ملتی قائل به نظام‌سازی و گشایش ساختارهای سیاسی و حکومتی مبتنی بر باورها و ارزش‌های اعتقادی خود باشد و به عبارتی می‌خواهد آن گونه که می‌اندیشد، زندگی کند، بدون شک در درون تفکرات و تأملات فکری و اندیشه‌ای اندیشمندان و رهبران فکری آن جامعه باید نیم‌نگاهی نیز به مسئله تدبیر امور نظامی وجود داشته باشد.

بر این اساس، در طول تاریخ، اندیشمندانی هستند که به طور خاص به تأمل و تفکر در امور نظامی پرداخته‌اند، «سان تزو» و «کلاوزویتس» از جمله اندیشمندان و نظریه‌پردازان نظامی مشهوری هستند که در آثار خود تنها به امور نظامی پرداخته و به ابهام‌ها و تشکیک‌های پیش آمده برای تدبیر امور نظامی زمان خود پاسخ داده‌اند.

#### ۱-۱-۵. عناصر سازنده اندیشه نظامی

اندیشه نظامی مانند هر اندیشه‌ای، متشکل از چند جزء کلی است که بدون آنها اندیشه‌ای شکل نمی‌گیرد. شناخت این عناصر به فهم ما نسبت به اطلاق «اندیشه» به آرا و نظرات دیگران کمک شایان توجهی می‌نماید. این عناصر عبارت از «ایده‌های بنیادین»، «اصول» و «نظام‌مند بودگی» می‌باشند. به عقیده نگارنده، این عناصر می‌تواند شامل اندیشه و یا اندیشمند نظامی باشد. بدیهی است اگر اندیشمندی در اندیشه‌پردازی خود این عناصر را داشته باشد، نتیجه تلاش او (اندیشه نظامی) دارای همان عنصر خواهد بود (عسگری، مهر ۱۳۸۹: ۱۴-۱۳).

#### (۱) ایده‌های بنیادین

یکی از عناصر سازنده اندیشه نظامی، ایده‌های بنیادین هستند. این ایده‌ها به لحاظ ماهیت، ناپایدار نبوده بلکه ماندگار می‌باشند. این ایده‌ها، به مفروض‌ها یا باورهای اشاره دارند که اصول را در سبک و شیوه مدیریت نیروهای نظامی در امور مربوط به زمان جنگ و صلح، تعریف می‌نمایند. در واقع این ایده‌ها هستند که دلایل تغییر رهنامه‌ها را توضیح می‌دهند. این ایده‌ها، نقش مهمی را در تعیین رفتار هر نهاد یا سازمان پیچیده‌ای ایفا می‌نمایند. این ایده‌ها و باورها، موضوعی برای اثبات تجربی نیستند، بلکه مقوله‌ای هستند که بیشتر اعضای سازمان یا نهاد، آنها را به‌عنوان یک حقیقت می‌شناسند

(Bacevich, March 1998: 15-16).

## (۲) اصول

به لحاظ لغوی، اصل هر چیزی، هر آن چیزی است که وجود آن چیز بسته به آن باشد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۲۳۸۸). اصل، مفهومی است که تمام یا قسمتی از یک نظریه، ایدئولوژی و... بر آن ابتناء یافته باشد، به گونه‌ای که اگر اصل نقض گردد و یا از بین برود، موجودیت آن نظریه یا ایدئولوژی با خطر مواجه می‌شود.

افزون بر این تعریف، در برخی دیگر از منابع، تعاریف دیگری از این مفهوم ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود. اصل عبارت است از چیزی که به عنوان حقیقت، پذیرفته شده و می‌تواند به عنوان پایه‌ای برای استدلال یا رفتار قرار گیرد.

در برخی از منابع در تعریف اصل بیان گردیده، اصل چیزی - معمولاً یک قاعده یا هنجار - است که بخشی از مبانی برای چیز دیگری می‌باشد (www.en.wikipedia.org).

در تعریف دیگر آمده، اصل یک قاعده‌ی مبنایی است که افکار و یا اقدامات را هدایت می‌کند و یا تحت تأثیر قرار می‌دهد (www.nmlites.org). در برخی از منابع نیز اصل به عنوان راهنمای عمل و یا مبنایی برای استدلال، معرفی شده است (www.nato.nt). برخی معتقدند:

«وقتی می‌گوییم حکم (الف) یک اصل است، تصورمان از دو حالت خارج نیست. (الف) یک اصل نظری است و یا (الف) یک اصل عملی است. اگر (الف) یک اصل نظری باشد باید در فهم پدیده‌ها به کار آید. به عبارت دیگر بتوانیم به کمک آن الگوی مناسبی برای پدیده‌های عینی بسازیم. حالت دوم این است که (الف) یک اصل عملی باشد، در آن صورت باید بتوانیم به کمک (الف) وظایف سیاسی خود را در وضعیت‌های خاص تشخیص بدهیم و کشف کنیم» (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۵).

کارویژه عمده تعیین اصول هر مقوله‌ای، پی‌ریزی شالوده‌ای است که بتوان با اتکای به آن، ساختارهای لازم را ایجاد کرد. اصول بنیادین، استحکام روبنا را تضمین خواهند

کرد. نظر به چنین اهمیت و جایگاهی، اندیشه نظامی نیز باید دارای اصولی باشد تا بتواند از کارکرد لازم برخوردار باشد.

### (۳) نظام‌مند بودن

هر اندیشه‌ای باید نظام‌مند باشد. به عبارتی اجزای هر نظام اندیشه‌ای (ذهنیت اندیشمند) باید به لحاظ ماهیت و کارکرد دارای سازگاری باشند. برای مثال اندیشمند نمی‌تواند با کاربست یک قالب فکری برای مثال «لیبرال - انسان‌مدارانه» برای جامعه دینی به اندیشه‌پردازی نظامی بپردازد. این‌گونه هم می‌توان گفت که اندیشه‌های نظامی لیبرال در یک جامعه با ماهیت و ساختارهای مذهبی واجد کارکردهای قابل قبول نخواهد بود. اندیشه دفاعی، برآیندی از تجارب انباشتی و اندیشه‌های به‌کار گرفته شده در گذشته است. اندیشه دفاعی، نرم‌افزار اصلی طراحی الگوی پیشرفت دفاعی است. این اندیشه در قالب عناصر سازنده خود، مشخص می‌نماید که عناصر برتری‌ساز کدامند؟ در اندیشه دفاعی باید تعیین شود که تکیه‌گاه و گرانیگاه (مرکز ثقل) ساختار دفاعی کشور مبتنی بر فناوری یا نیروی انسانی است؟ آیا دفاع، موضوعی «تخصصی» است و یا اینکه رویکرد «مردمی کردن دفاع»، پذیرفته شده است؟ اندیشه دفاعی، روشن می‌سازد که آیا در دفاع، هدف اصالت دارد یا صیانت از نفس؟ به عبارتی آیا آن اندیشه، متکی بر شهادت‌طلبی است و یا عافیت‌جویی؟ اندیشه دفاعی بیان می‌کند که مقابله با دشمن آیا تنها در شرایط همترازی باید در دستورکار قرار گیرد و یا اینکه با تزریق روحیه شجاعت و جنگاوری و تأکید بر خلاقیت می‌توان با دشمن در شرایط ناهمتراز نیز جنگید؟

### ۲-۵. نیروی انسانی

در الگوی بومی پیشرفت در حوزه دفاعی، نیروی انسانی، رکنی بسیار اساسی است. در طول تاریخ، نیروی انسانی همواره یکی از عوامل تعیین‌کننده امور نظامی و جنگ‌ها

به شمار رفته است. عنصر حیاتی در حالت آفندی یا پدافندی، نیروی انسانی بود و تا مدت‌ها، معیار قدرتمندی دولت‌ها محسوب می‌شد. البته امروزه در کنار فراوانی و جنبه‌های کمی جمعیت، ویژگی‌های کیفی جمعیت نظیر میزان آگاهی، برخورداری از اراده، روحیه، انگیزه، آموزش، داشتن مهارت و ... نیز حائز اهمیت فراوان شده است.

در خلال دهه‌های اخیر که پدیده فناوری، عمومیت یافته است، کارها سریع‌تر و راحت‌تر انجام می‌شود و در اجرای امور، نیاز به نیروی انسانی، تحت تأثیر حضور فناوری قرار گرفته است. ورود فناوری در عرصه نظامی، در حوزه‌هایی همچون شناسایی، قدرت آتش، دقت آتش، ارتباطات و ... به کار گرفته شده است. هرچند این مقولات، جنگیدن را آسان‌تر از گذشته می‌نماید، ولی به هیچ وجه، شرط کافی برای رسیدن به پیروزی نیست. در تحلیل نهایی، پیروزی با نیروی انسانی به دست می‌آید (Combat in the 21<sup>st</sup> Century, 1999). در حالی که فناوری‌های نظامی به تنهایی قادر نیستند که پیروزی نظامی را به دست آورند.

بنابراین کشورهایی که دارای نیروی انسانی به میزان کافی و با شرایط لازم هستند، به واقع از یک مزیت راهبردی برخوردار می‌باشند. البته وضعیت ایده‌آل، داشتن نیروی انسانی در کنار فناوری نوین و سطح بالا می‌باشد، ولی در هر حال بدون چنین فناوری‌هایی نیز می‌توان پیروزی را به دست آورد.

بنابر آنچه گفته شد الگوی دفاعی مطلوب کشورهای با جمعیت بالا، انسان‌محور خواهد بود. اگر نیروی انسانی در یک کشور از سطح آموزش مناسبی بهره‌مند باشد و ضمن داشتن روحیه و ایمان، در یک منطقه عملیاتی با عمق راهبردی مناسب عمل نماید، با داشتن تحرک بالا و فرماندهی کارآمد، به راحتی قادر خواهد بود در برابر دشمنان همتراز بایستد و چنانچه از سوی دشمنان ناهمتراز مورد تهاجم واقع شود، می‌تواند با مقاومت، دشمن را زمین‌گیر کرده و با گذشت زمان، تفکر راهبردی خود را پیاده کرده و برتری خویش را اعمال نماید.

### ۳-۵. استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌ها

رکن سوم طراحی الگوی بومی پیشرفت دفاعی، استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌های مادی است. به عبارتی امکانات و ظرفیت‌ها، تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر توان حرکت و میزان اثربخشی الگو دارند.

به باور بسیاری از صاحب‌نظران باید بین الگوهای دفاعی و میزان مقدمات و ظرفیت‌های سخت‌افزاری کشور، تناسب معناداری وجود داشته باشد (کالینز، ۱۳۷۰: ۳۱-۲۹). البته سطح امکانات مادی بر میزان اثربخشی نرم‌افزارهایی مانند سیاست دفاعی و رهنامه نیز اثرگذار است. برای مثال آمریکایی‌ها همواره در اندیشه‌پردازی نظامی (به جز مسائل هسته‌ای و مباحث شورشگری) چندان موفق نبوده‌اند؛ چرا که آنها بیشتر شبیه غولی با عضلات نیرومند و مغزی کوچک بوده‌اند که به دلیل سهولت حل مشکلات خود با زور، چندان نیازی به استفاده از اندیشه خود احساس نکرده‌اند.

هنر الگوی بومی پیشرفت آن است که سازوکارها را به گونه‌ای طراحی نماید که ضمن به فعلیت رساندن ظرفیت‌های موجود، با کمترین هزینه، بیشترین بهره را از امکانات موجود به دست آورد. در این شرایط است که می‌توان برای دستیابی به هدف‌های مورد نظر، امکانات کافی را فراهم کرد (Johnson, Howard, Miemczyk, 2009: 270-279).

### ۶. کارکردهای الزامی الگوی بومی پیشرفت دفاعی

کارکرد، نتیجه و برون‌دادی است که از پیاده‌سازی الگو، انتظار می‌رود. همان‌گونه که اشاره شد الگو باید هدف‌ها را مشخص نماید. تحقق هدف‌ها در واقع همان کارکردهای الگو می‌باشد. در ادامه به برخی از کارکردهایی اشاره می‌شود که الگوی مطلوب دفاعی باید داشته باشد.



### ۶-۱. بازدارنده

الگوی دفاعی باید بتواند ضریب بازدارندگی کشور را ارتقا دهد. در واقع نتیجه و برآیند اجرای الگو باید رسیدن به «قدرت بازدارندگی» (سخت‌افزار و نرم‌افزار) و یا تولید «توان ضربه مؤثر» باشد تا به واسطه آن، بتوان بازدارندگی را در سطحی بالاتر اعمال نمود و ضریب امنیتی کشور را بهبود بخشید (Freedman, 2004).

### ۶-۲. هم‌افزا

بدون تردید یک الگوی بومی پیشرفت دفاعی باید بین امکانات و ظرفیت‌ها، هم‌افزایی ایجاد کند. این هم‌افزایی باعث ایجاد توان مضاعف و فزاینده می‌شود. البته این هم‌افزایی باید افقی و عمودی باشد. به بیان روشن‌تر این هم‌افزایی باید بین بخش‌های بالادستی و پایین‌دستی و همچنین نهادها و سازمان‌های هم‌عرض به وجود آید. رسیدن به این شرایط در گرو مشارکت تمامی اجزا و نهادهای تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز، اقناع مجریان در مورد هدف‌ها و ضرورت‌های اجرای الگو، شناخت ظرفیت‌ها و راهکاری ایجاد ظرفیت جدید می‌باشد.

### ۶-۳. اعتمادآفرین

الگوی بومی پیشرفت دفاعی باید اعتمادآفرین باشد. به عبارتی باید نسبت به هدف‌ها و نیات طراحی و اجرای این الگو (برای بازیگران در معرض) ابهام‌زدایی شود. اعتمادزایی الگو می‌تواند در کم هزینه‌شدن اجرای الگو، تأثیر قابل توجهی داشته باشد. اعتماد، رکن اصلی خلق یک محیط امنیتی مطلوب است. اعتماد، تنش‌زدایی را جایگزین تنش‌زایی، تعامل را جایگزین تقابل و همکاری را جایگزین رقابت می‌نماید. چنین محیطی نیز بسترساز بالندگی، توسعه و امنیت جمعی خواهد بود. البته شفاف‌سازی و درک متقابل، پیوندی ناگسستنی با اعتمادآفرینی دارند.

#### ۶-۴. مقتدر، پاسخگو و امنیت‌ساز

این الگو باید باعث قرار گرفتن توان دفاعی کشور در شرایط «اقتدار» گردد. اقتدار، قدرتی است که مشروع باشد. بر مبنای این تعریف، الگوی دفاعی مطلوب باید ضمن تقویت و تحکیم یکپارچگی نظام و ملت در عرصه داخلی، موجب پذیرش جایگاه و قدرت کشور در محیط بیرونی شود.

از سوی دیگر، مطالبه حداقلی نظام اجتماعی از حاکمیت و حکومت، امنیت‌آفرینی است. الگوی بومی پیشرفت دفاعی باید از چنان ظرفیتی برخوردار باشد که با اجرای آن، امنیت برقرار شود. بعد دیگر این موضوع، «پاسخگویی» به تهدیدها و چالش‌هایی است که احتمال دارد در محیط امنیتی کشور شکل بگیرد.

#### ۶-۵. الهام‌بخش

این کارکرد در واقع، بعد قدرت‌زای اجرای الگو می‌باشد. به عبارتی زمانی که الگو از سوی سایر بازیگران مورد توجه قرار گیرد و پذیرش و اجرای آن به‌عنوان الگوی کارآمد، در دستورکار قرار گیرد، آن‌گاه می‌توان مدعی شد این الگوی بومی پیشرفت دفاعی، حائز شرایط الهام‌بخشی شده است. رسوب و رسوخ ایده‌ها، برنامه‌ها و ساختارهای الگو، می‌تواند بسترساز نفوذ کشور باشد.

### نتیجه‌گیری

همان‌گونه که در مقدمه بیان شد هدف این مقاله، ارائه ملاحظه‌های نظری در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بود. بررسی‌ها نشان داد که تجارب دفاعی هر کشوری، بهترین راهنما در تنظیم الگوی پیشرفت دفاعی می‌باشد. بنابراین، تجربه‌های دفاع دوران هشت ساله جنگ تحمیلی، گنجینه‌ای است که باید در طراحی الگوی پیشرفت دفاعی مورد استفاده قرار گیرد. در بخش بعدی، ماهیت الگوی پیشرفت مورد

بحث قرار گرفت و در آن گفته شد که این الگو بر سایر اسناد و برنامه‌ها، «اشراف» دارد، و همچنین «هدف‌محور»، «سازنده»، «راه‌حل‌محور» و «تصمیم‌گیرنده» می‌باشد. در مورد انگیزه‌های طراحی الگوی دفاعی نیز گفته شد که بومی‌سازی الگو، قدرت‌سازی و رسیدن به توسعه پایدار از مهم‌ترین انگیزه‌ها در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در حوزه دفاعی است.

در قالب مبانی نیز به گزاره‌های برآمده از فلسفه و مکتب، قانون اساسی و فرهنگ راهبردی اشاره شد. اندیشه دفاعی، نیروی انسانی و استفاده بهینه از امکانات و ظرفیت‌ها نیز به‌عنوان ارکان الگوی پیشرفت دفاعی مورد بحث قرار گرفت. در مورد کارکردهای الزامی الگوی بومی پیشرفت نیز گفته شد که این الگو باید «بازدارنده»، «هم‌افزا»، «اعتمادآفرین»، «مقتدر، پاسخگو و امنیت‌ساز» و «الهام‌بخش» باشد.

اشاره شد که الگو نباید وارد محتوی شود، بلکه باید به ساختارها، فرایندها، روش‌ها و ارتباطات پردازد. در مورد ساختارها باید گفت که «رهبری» در تدوین (به‌عنوان محور و محرک اصلی تدوین الگو و تسهیل‌کننده از طریق نهادهای وابسته مانند مجمع تشخیص مصلحت نظام، صدا و سیما و ...) و اجرای الگو (نظارت بر حسن اجرای وظایف قوای مقننه و مجریه، بازنگری و یا تدوین مجدد سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی و ...)، «دولت» در تدوین (از طریق مشارکت فعال وزارتخانه‌ها، نهادها، دانشگاه‌ها، مراکز پژوهشی و ...) و اجرای الگو (از راه تصویب برنامه‌های پنج‌ساله در مسیر طراحی شده در سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام البته پس از ارائه الگو و بازنگری در اسناد موجود)، «مجلس شورای اسلامی» در تدوین (از طریق مشارکت در تدوین بر اساس شرح وظایف محوله و ...) و اجرای الگو (از راه تصویب قوانین و ارائه طرح‌هایی در چارچوب مسیر مشخص شده از سوی الگو و همچنین نظارت بر حسن اجرای قوانین و برنامه‌های مصوب از سوی دولت و دیگر نهادها)، نقش مؤثری دارند. «مردم»، انرژی اجرای الگو، هستند و بدون مشارکت و همراهی آنها، اجرای الگو، شدنی و ممکن

نمی‌باشد. «نیروهای مسلح» نیز باید در فرایند تدوین الگو، نقش و حضوری معنادار داشته باشند. ملاحظه‌های دفاعی باید از دغدغه‌های اصلی طراحان الگو باشد. در بُعد اجرایی نیز با توجه به جایگاه و اهمیت دفاع، نیروهای مسلح باید نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا نمایند.

در جمهوری اسلامی ایران به نظر می‌رسد که برنامه‌ریزی با استفاده از روش «پایین به بالا» انجام شده است. به عبارتی در ایران ابتدا برنامه و بودجه سالانه تدوین شد. در گام بعدی «برنامه‌های پنج‌ساله» و در مرحله دیگر «سیاست‌های کلی» و «چشم‌انداز» و در شرایط کنونی نیز تدوین «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» در دستورکار قرار دارد. به هر حال باید توجه داشت در این شیوه، پس از تدوین و تصویب نهایی الگوی پیشرفت، باید در اسناد پایین دستی اعم از سند چشم‌انداز، سیاست‌های کلی، برنامه‌های پنج‌ساله و ... بازنگری انجام شود و محتوای این اسناد در چارچوب الگوی پیشرفت، تغییر یابد. بدیهی است در این فرایند، اسناد حوزه دفاعی نیز باید مورد تجدیدنظر قرار گیرد. به بیان روشن‌تر، مطابق با تعاریف و سازوکارهای مرتبط با حوزه دفاعی باید اسناد دفاعی اعم از چشم‌انداز، سیاست‌های کلی بخش دفاع، رهنامه دفاعی، طرح‌های دفاعی و برنامه و بودجه دفاعی به عنوان خروجی الگو، مورد اصلاح قرار گیرند.

یافته‌های این مقاله نشان می‌دهد که الگوی دفاعی مطلوب به عنوان محصول «جنبش نرم‌افزاری» باید بتواند ارتباطی اندامواره بین تمام بخش‌ها و اجزا ایجاد نماید که در نتیجه این تعامل سازنده و فزاینده، «جامعه هوشمند دفاعی» شکل بگیرد. منظور از این جامعه آن است که آحاد و اجزای جامعه و نظام دفاعی کشور، در شرایط دفاعی (اعم از مقابله با تهدید یا حفظ آمادگی) به وظایف خود، آگاهی داشته باشند. نگارنده بر اساس آنچه در مقاله خود نگاشته است بر این باور است که در الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، باید «قدرت هوشمند (ترکیب قدرت سخت و نرم)» و «دفاع همه‌جانبه» در دستورکار قرار گیرد.

## منابع و مآخذ

### ۱. منابع فارسی

۱. بوزان، باری (۱۳۷۸)، *مردم، دولت‌ها و هراس*، مترجم ناشر، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲. بیانات مقام معظم رهبری در نخستین نشست «اندیشه‌های راهبردی»، مورخه ۸۹/۹/۱۱
۳. جمشیدی، محمدحسین (۱۳۸۰)، *مبانی و تاریخ اندیشه نظامی در ایران*، تهران، دافوس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
۴. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، جلد ۲، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۵. عسگری، محمود (۱۳۸۷)، *شیوه جنگ ج.ا. ایران در جنگ تحمیلی*، تهران، مرکز تحقیقات راهبردی دفاعی، شماره هفدهم.
۶. عسگری، محمود (پاییز ۱۳۸۹)، نقش دیپلماسی دفاعی در مدیریت دفاعی منطقه‌ای، *فصلنامه دیپلماسی دفاعی*، سال اول، شماره دوم.
۷. عسگری، محمود (زمستان ۱۳۸۴)، مقدمه‌ای بر فرهنگ استراتژیک، *فصلنامه راهبرد دفاعی*، سال سوم، شماره ۱۰.
۸. عسگری، محمود (مهر ۱۳۸۹)، چارچوب نظری اندیشه نظامی، *ماهنامه اطلاعات راهبردی*، سال هشتم، شماره ۸۹.
۹. قاضی، ابوالفضل (۱۳۷۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی*، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۰. کالینز، جان ام (۱۳۷۰)، *استراتژی بزرگ*، کورش بایندر، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۱. لاریجانی، جواد (۱۳۶۹)، *مقولاتی در استراتژی ملی*، تهران، انتشارات امیرکبیر.

### ۲. منابع انگلیسی

1. Adamsky, Dima (2010), *The Culture of Military Innovation*, California, Stanford University Press.
2. Bacevich, A. J (March 1998), Old Myth, New Myths: Renewing American Military Thought, *Parameters*.
3. Booth, Ken (2005), Strategic Culture: Validity and Validation, *The Oxford Journal on Good Governance*, vol. 2, No 1.
4. Clausewitz, Carl Von (1976), *On War*, Micheal Howard and Peter Paret (Editors and Translators), Princeton, Princeton University Press.
5. Combat in the 21<sup>st</sup> Century (1999), *Military Review*.
6. Farrell, Theo and Terry Terriff (2002), *The Sources of Military Change*, London, Lynne Rienner.

7. Freedman, Lawrence (2004), *Deterrence*, Cambridge, Polity Press.
8. Gampert, David, Olga Olikier, Anga Timilsina (Jan 2004), Clean, Lean and Able, *available at [www.rand.org](http://www.rand.org)*
9. Gat, Azar (2001), *A History of Military Thought*, Oxford, Oxford University Press.
10. Jahnsen, Thomas, Mickey Howard, Jęo Miemczyk (2009), UK Defence Change and the Impact on Supply Relationships, *Supply Chain Management: An International Journal*, vol 14, Issue 4.
11. Johnston, Alastair Iain (1995), Thinking about Strategic Culture, *International Security*, Vol 19, No. 4.
12. Longhurst, Kerry Anne (2000), *Strategic Culture: The Key to Understanding German Security Policy*, Birmingham, University of Birmingham.
13. Marien, Michael (April-May 2002), Future Studies in the 21st Century: A Reality-Based View, *Futures*.
14. Murray, Williamson (Jan 1999), Military Culture Does Matter, *FPRI Wire*, Vol 1, No 2.
15. Sondhaus, Lawrence (2006), *Strategic Culture and Way of War*, London, Routledge.
16. [www.en.wikipedia.org/wiki/principle](http://www.en.wikipedia.org/wiki/principle)
17. [www.nato.nt/docu/logi-en/1997/defini.htm](http://www.nato.nt/docu/logi-en/1997/defini.htm)
18. [www.nmlites.org/standards/socialstudies/glossary.html](http://www.nmlites.org/standards/socialstudies/glossary.html)